



یحییٰ خزاینہ حین اجرای موسیقی



سخنران (رفیق کبیر توخی)



هنرمند آزادیخواه و آواز خوان مشهور ایران
خانم (گیسو شاکری)



میز کتاب "فعالین چریکهای فدایی خلق ایران" - کانادا

بگذار نخست بخشی از نوشته ی بزرگترین و محبوبترین شاعر انقلابی ایران در مورد صمد را زیب این گزارش نموده ، بعدا جریان برنامه به مناسبت چهلمین سالگرد جانباختن صمد بهرنگی و به مناسبت بیستمین سالگرد جانباختن زندانیان سیاسی در جریان کشتار تابستان ۶۷ را پیشکش تان نمایم.

بشیر نبی

(تورنتو - ۸ سپتمبر ۲۰۰۸)

بزرگترین شاعر انقلابی ایران و جهان (**شاملو**) در بخشی از نوشته اش تحت عنوان " ای کاش این هیولا هزار سر می داشت ! " [۲ شهریور ۱۳۵۱ - مندرجه « ویژه صمد بهرنگی » - از انتشارات چریکهای فدایی خلق ایران] در مورد صمد بهرنگی چه خوب نوشته :

« صمد چهره ی حیرت انگیز تعهد بود . - تعهدی که به حق می باید با مضاف غول و هیولا توصیف شود : غول تعهد ! هیولای تعهد!

چرا که هیچ چیز در هیچ دوره و زمانه بی همچون " تعهد روشنفکران و هنر مندان جامعه " خوف انگیز و آسایش برهم زن و خانه خراب کن کژی ها و کاستی ها نیست . چرا که تعهد اژدهایی است که گرانها ترین گنج عالم را پاس می دارد : گنجی که نامش آزادی و حق حیات ملت هاست .

و این اژدها ی پاسدار ، می باید از دست رس مرگ دور بماند تا این گنج عظیم را از دست رس تاراجیان دور بدارد ؛ می باید اژدهایی باشد بی مرگ و بی آشتی ، و بدین سبب می باید هزار سر داشته باشد و یک سودا ؛ اما اگر یک سرش باشد و هزار سودا ، چون مرگ بر او بتازد ، گنج ، بی پاسدار می ماند .

صمد سری از این هیولا بود . وکاش ... کاش این هیولا ، از آن گونه سر ، هزار میداشت ؛ هزاران می داشت .»

حال فشرده بی از محفل ...

محفل پرشکوه ای (بتاريخ ۷ سپتمبر ۲۰۰۸) بخاطر چهلمین سالگرد جان باختن صمد بهرنگی و به مناسبت بیستمین سالگرد جان باختن زندانیان سیاسی در جریان کشتار تابستان ۶۷ از جانب " کانون اندیشه و هنر " و " فعالین چریکهای فدایی خلق ایران در سالن کتابخانه مرکزی نورت یارک تورنتو " برگزار گردید . در این گردهمایی پر شکوه اضافه از سه صد و پنجاه (۳۵۰) نفر اشتراک کرده بودند .

* - نخست سرود انترناسیونال نواخته شد . به احترام این سرود ، حاضرین از جایشان بلند شدند . بعد از پایان سرود حضار دو باره بر چوکی هایشان نشستند . سرود جهانی کارگران (انترناسیونال که از ساخته های « اوژین پوتیه » کارگر مبارز کمون پاریس که خود در جوشاجوش جنک طبقاتی (کمون پاریس) کشته شد ، بوده ؛ چنان بر حاضرین اثر نمود که سرود را با آواز شان همراهی کردند (منهای دو یا سه تنی که در نقش تایید کننده ی سرود ، دست شانرا از روی ریا تکان می دادند)

* - هنرمند مردمی یحیی خزاینه به نواختن قانون مشغول شد . صدای دلپذیر این آله موسیقی بر شنونده ها چنان اثر گذاشت که همه برایش کف زدند .

*- به تعقیب آن سهیلا دهماسی در رابطه با نگاشته ای تحت عنوان (" قصه صمد هنوز به پایان نرسیده است ... ") صحبت نمود. سخنران مبارز بر سایه روشن هایی از زندگی این نویسنده کمونیست (صمد بهرنگی) در جریان کار و بار فرهنگی و انقلابی اش تماس گرفت که توجه حاضرین را جلب نمود. و با کف زدن های ممتد شنونده ها صحبت آگاهگرانه اش به پایان رسید.

*- در بخش موسیقی هنرمند پیانیست از باکو: والیدا یعقوب و ا، هنرمند آزادیخواه فریدون فرهی را همراهی کرد که هر دو هنرمند، با ابراز احساسات شنونده ها مواجه شدند.

*- سخنران بعدی کبیر توخی یک تن از کمونیست های مبارز و زندانی سیاسی در دوره اشغال افغانستان توسط سوسیال امپریالیزم شوروی؛ بود. وی از متن نگاشته اش زیر عنوان « **بخاطر چهلمین سالگرد جان باختن صمد بهرنگی** » [که شامل خاطراتش از ایران - سال ۱۳۵۰ - در رابطه با مصادره " بانک صادرات " توسط چریکهای خلق ایران؛ نظر شماری از ایرانی ها در مورد صمد و یکی دو خاطره ی دیگری باشد] بخشهایی آنرا در این محفل قرائت نمود که با کف زدن های ممتد و استقبال گرم و پر شور حاضرین مواجه گردید.

توخی ضمن صحبت های پرشورش از اشاعه نظرات انقلابی صمد در میان طیف چپ و آزادیخواهان افغانستان تذکراتی داده از دو تن زندانی سیاسی آزادیخواه در زندان پلچرخ که در سالن حضور داشتند [گزارشگر (بشیر نبی) و معلم صاحب رسول که در سالهای ۱۳۵۷ خورشیدی آثار صمد از جمله " ماهی سیاه کوچلو " را مطالعه کرده بود؛] نام گرفت.

*- در پی آن هنرمند محبوب و پر آوازه ایران (خانم گیسو شاکری آواز خوان معترض تبعیدی - سوئد) بر روی ستیز برآمد. و با تمکین و جاهت خاصی اشعار انقلابی را با آواز بسیار جذاب اش دکلمه کرد و بعداً اشعار را با آواز گیرا و دلپذیرش خواند. حاضرین ابراز احساسات نموده با کف زدند های پیهم وی را همراهی کردند. آواز بسیار شفاف، بلند و پر جاذبه این زن آزادیخواه چنان فضای شور و هیجان رزمی را برتالار مسلط ساخت، تو گویی همه با هم، با تمام جان و ایمانشان در یک نبرد رویا روی بارژیم خون آشام جمهوری اسلامی قرار دارند.

*- بعداً حسین افصحی یکی از کارگردانان و هنرمندان آزادیخواه تبعیدی در مورد صمد سخنرانی نمود. بعضاً شور و کف زدن های مهمانان، سخنرانی این هنرمند را دچار وقفه می نمود.

*- بخاطر نمایش ویدئو " صمد در قلب من است " پرده سپید سینما به طور اتوماتیکی بر روی دیوار ستیز که با شعار های بزرگ « زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیزم » و شعار: « به یاد تمامی جانباختگان راه آزادی و سوسیالیزم » مزین شده بود؛ کشیده شد. محتوای این نمایش را زنده گی صمد و تأثیر نوشته های بی مثالش بر مردم و انقلاب ایران تشکیل می داد.

*- نمایش متعاقب آن نیز ویدئویی بود تحت عنوان « به یاد جانباختگان دهه ۶۰ ». در این نمایش فوتو های اعدام شده گان در زندانهای رژیم جمهوری اسلامی ایران نشان داده شد که شدیداً هول انگیز و خشم آفرین بود. اگر از یکطرف فقر و تنگدستی و ستم و استثمار توده ها و کار فزینی فرزندان و کودکان خوردسال شان را در مرکز دید بیننده می گذاشت؛ از جانبی دیگر شکنجه و زندان و اعدام فرزندان و نوباوه گان توده ها را پیش چشم تماشاگران طوری قرار می داد که دل سنگ دلترین فرد را به تپش می کشید.

*- سارا نیکو یک تن از فعالین (" اتحاد زنان آزادیخواه ") پیام نماد مبارزه و مقاومت ایران رفیق اندیشمند اشرف دهقانی را به مناسبت یادمان بیستمین سالگرد جانباختگان قتل عام زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷ و دهه ۶۰ قرائت نمود که با کف زدن های شور انگیز حضار مواجه گردید.

*- هنرمند پبانیست از باکو : پرویز علی اف با پنجه های احساس بر انگیزش (فریدون فرهی) را در آواز خواندش همراهی می کرد . این مرد آزادیخواه با وجود سن زیاد تر های صوتی هنجره اش را حفظ نموده و درد مردم را با آواز بلند و گیرایش - با اجرای ترانه های به زبان ترکی - چنان فریاد کرد که حضار هیجان زده را به تحسین واداشت .

*- نمایش ودئویی " باز جوی عزیز " با هنر مندی حسین افسحی و هادی خرسندی (طنز نویس پر آوازه ایران) تماشاچیان را مبهوت و حیرت زده ساخت . متن گپ و گفت مستنطق (بازجو) رژیم جمهوری اسلامی در شکنجه گاه زندان با زندانی ، در ظاهر شکل طنز داشت، دراصل واقعیت هایی را به تمثیل می کشید که در هر سلول زندان، گریبان مستنطقین و جلادان مزدور را گرفته ، چشمان شانرا از شدت بهت و حیرت وهول و هراس از حدقه در آورده و چهره شان را در حالت ذلت و نا امیدی و سقوط ؛ بسیار دیدنی ساخته بود. مکالمه مستنطق و زندانی در اخیر پیامی داشت در خور ستایش . جا دارد که طی نگاشته ای به تقریظ این اثر افشاگر رژیم خون و خیانت و رذالت پرداخت

*- در خاتمه باز هم خانم هنرمند و هنر آفرین و مبارز و بسیار شجاع ایران (گیسو شاکری) پیکر شعله ورش را بر روی سننیز کشاند . اگر بنویسم قیامتی بر پا کرد ، با صیغه مبالغه ، افاده مطلب نکرده ام . مجموع حرکات موزون این هنرمند ازادیخواه در واقع بیانگوی بخشهای از درد و رنج و فقر و بدبختی مردمش بود . این هنر مند بی همتا ، ندای به غل و زنجیر بستگان ؛ صدای زندانیان سیاسی در زیر شکنجه و در انتظار اعدام ؛ آواز ستم دیدگان مظلوم ایران ؛ فریادی به پا خاستگان به خاطر آزادی و برابری انسان ؛ نعره ی آتشین حماسه سیاهکل و ... و... را چنان فریاد کرد که در چشم های روشن بین اکثر مهمانان اشک نفرت و خشم و انتقام از رژیم آخوند های منفور کشور شان حلقه بست . صدای گریه ی شماری از مهمانان شنیده می شد که برای این زن هنرمند ، مبارز و آزادیخواه که از یک شهر به شهر دیگر و از یک کشور به کشور دیگر زحمت سفر را پذیرا شده ، غم و اندوه و ستمی که بر زنان و مردان سر زمینش ، از جانب رژیم منفور و متعفن جمهوری اسلامی وابسته به امپریالیزم اعمال می شود را فریاد می کند ؛ خواهان پیروزی و سلامتتش شدند . در پایان برنامه زمانی که این هنر مند از روی سننیز پائین می شد ، شماری از خانم ها به استقبالش شتافتند . خانم با احساس گیسو شاکری هنرمند آزادیخواه ایران و رحیمه توخی شاعر آزاده افغانستان به خاطر ظلم و ستمی که بر زنان افغانستان و ایران جاریست و به خاطر دوری از میهن گرامی شان (ایران و افغانستان)، همدیگر را به آغوش گرفته وبا هم یکجا گریستند .